

## سنجش حس تعلق مکان از منظر شاخص‌های کالبدی مورد پژوهی: محله آبشوران شهر کرمانشاه

تاریخ دریافت مقاله: ۴۰۱/۰۱/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۴۰۱/۰۳/۳۱

محمود محمدی (دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران)  
آرزو جمشیدی شیخی آبادی\* (دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی شاپور، دزفول، ایران)  
مجتبی لرزنگنه (پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران)

### چکیده:

یکی از مفاهیم مهم در ارتقاء کیفیت محیط شهری و انسانی حس تعلق به مکان است. هدف پژوهش حاضر، استخراج مؤلفه‌های کالبدی جهت ارتقاء حس تعلق به مکان و بررسی و سنجش آن‌ها در محله آبشوران شهر کرمانشاه است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و نوع آن کاربردی است. همچنین، از مطالعات اسنادی، مشاهده میدانی و ابزار پرسشنامه جهت گردآوری اطلاعات بهره گرفته شده است. جامعه آماری تمام ساکنین محله آبشوران شهر کرمانشاه است که در این میان ۲۸۵ نفر به‌عنوان حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان انتخاب شده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که میان تمامی شاخص‌های کالبدی و حس تعلق به مکان رابطه معناداری وجود دارد. بدین صورت که چهار متغیر «تنوع و جذابیت»، «تمایز»، «توجه به زمینه»، «ساختار فضایی و شکل مناسب فضا» نسبت به شاخص‌های دیگر همبستگی بیشتری با حس تعلق به محله آبشوران دارند. علاوه بر این، نتایج آزمون رگرسیون بیانگر آن است که میزان همبستگی میان متغیرهای کالبدی و حس تعلق به مکان با میزان ۰,۷۸۲ در سطح بالایی است. مضاف بر آن، ضریب تعیین بیانگر آن است که ۰,۶۱۱ درصد از تغییرات متغیر حس تعلق به مکان مربوط به متغیرهای شاخص کالبدی است.

**واژه‌های کلیدی:** حس تعلق، تعلق به مکان، شاخص کالبدی، محله آبشوران، کرمانشاه

**مقدمه**

امروزه رشد و توسعه سریع شهری شدن در حاشیه و بیرون از شهرها، شهر و شهرسازی عصر حاضر را با چالش‌های جدیدی همچون کم‌رنگ شدن هویت و حس تعلق مواجه کرده است (شهریاری و مشک سار، ۱۴۰۰: ۲). فقدان حس مکان در توسعه جدید شهرها و به تبع آن عدم احساس تعلق به آن‌ها از مشکلات پنهانی است که در درازمدت احساس بی‌ریشگی را در ساکنان محیط دامن می‌زند و رابطه انسان‌ها با یکدیگر و محیط زندگی‌شان بی‌تفاوتی می‌کشد. در این بین بافت قدیمی و تاریخی شهرها بیشتر مورد تهدید این امر قرار دارند (بزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). همچنین، باید اذعان داشت که حس مکان به مثابه امری ذهنی تحت تأثیر عوامل طبیعی-محیطی، اجتماعی-فرهنگی، ادراکی-شناختی و کالبدی-فضایی ست (رحمانی و آدینه‌لو فرد، ۱۴۰۱: ۱۱۴).

حس تعلق به مکان یکی از مهم‌ترین معانی در ارتقاء کیفیت محیط‌های شهری و انسانی است. این حس عاملی مهم در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی محیط و استفاده‌کنندگان آن است، که سبب ایجاد محیط‌های باکیفیت (رشید کلویر و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹۸) و زیست‌پذیر (میرزا حسین و همکاران، ۱۴۰۱) می‌شود. بنابراین، می‌توان چنین اذعان داشت مهم‌ترین عامل برای پایداری و دوام مکان چه از نظر فعالیتی-کالبدی و چه از نظرگاه خاطرهای-معنایی احساس تعلق به مکان بوده است (خانقاهی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸) و (فارسی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۹). در این زمینه هرچند که متخصصین بسیاری بر نقش اجتماعی مکان، تعاملات و ارتباط فرهنگی-اجتماعی در مکان اشاره و تعلق به مکان را از نظر تعلق اجتماعی تفسیر کرده‌اند اما از سوی دیگر پژوهشگرانی به نقش حس تعلق کالبدی در محیط به‌عنوان قسمتی از هویت مکانی، می‌پندارند و آن را قسمتی از هویت فردی و اجتماعی فرد در محیط می‌دانند و بر آن تأکید داشته‌اند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۸).

فرسودگی بناهای قدیمی و تاریخی در مراکز شهری و عدم تخصیص بودجه کافی به مرمت آن‌ها، توسعه ساخت‌وسازها بدون توجه به هویت و زمینه آن و از سوی دیگر کمبود تسهیلات و عواملی از این قبیل سبب دور افتادن مراکز قدیمی از چرخه رو به رشد سایر بخشهای شهر شده است. این امر منجر به کاهش حس تعلق افراد به‌خصوص جوان‌ها به این مراکز شده و در صورت ادامه این روند تبدیل این بخش‌ها به بافت ناکارآمد، تهدیدی جدی است (دانش‌پور و صفار سبزواری، ۱۳۹۷: ۱۲۶). بنابراین، به نظر می‌رسد علاوه بر توجه به برقراری تعاملات اجتماعی در این مراکز توجه به کالبد بافت قدیمی و تاریخی نیز جهت حس تعلق افراد امری ضروری ست. بنابراین هسته مرکزی این پژوهش توجه به عوامل کالبدی مؤثر بر ایجاد حس تعلق به مکان است. این موضوع از چالش‌های طراحی شهری امروز است و باید مورد توجه

بیشتر قرار گیرد.

محله آبشوران در شهر کرمانشاه از قدیمی‌ترین محلات شهر به‌عنوان اصلی‌ترین هسته‌های اولیه شکل‌گیری شهر است که در بافت تاریخی شهر قرار دارد. این محله با وجود جاذبه‌های فرهنگی و تاریخی، بازار قدیمی و سنتی شهر از ارزش خاصی در حفظ هویت شهر برخوردار است، امروزه با معضلی به نام بافت مسئله‌دار مواجه شده است. زیرا رشد شهر و تغییراتی که در ادوار مختلف در شهر رخ داده موجب به وجود آمدن فضاهای بی‌هویت و بلا تکلیف، کاهش کیفیت زندگی و زیست‌محیطی، کاهش دل‌بستگی ساکنان، تخریب و از بین رفتن بخش ارزشمند در محدوده محله و بافت پیرامونی آن و فرسودگی در ابعاد مختلف محله شده به گونه‌ای که شبکه‌های معابر ارگانیک (سنتی و پیچ‌درپیچ)، ناامنی، خطرات فیزیکی، محیطی و حتی اجتماعی علاوه بر کاهش تراکم جمعیتی منجر به همراه نشدن بافت قدیمی با نیازهای روزآمد زندگی و از همه مهم‌تر عدم حس تعلق به مکان به‌خصوص در میان نسل جوان گشته است. این امر سبب شده تا بخش‌هایی از بافت حیات و توان خود را از دست بدهد و به تدریج متروکه و مخروبه شود. اگر توجه خاصی به تجدید حیات بافت قدیم و مرکزی شهرها نشود این سرنوشت محتوم کل بافت شهری را در برمی‌گیرد. بنابراین، بر اساس آنچه گفته شد شناسایی عوامل کالبدی مؤثر بر ارتقاء حس تعلق به مکان و کیفیت بخشی به این محله امری مهم و ضروری است. در این راستا هدف پژوهش، استخراج مؤلفه‌های کالبدی حس تعلق به مکان است. همچنین، به بررسی و سنجش آن‌ها در محله آبشوران شهر کرمانشاه پرداخته می‌شود. متناسب با این هدف سؤالات زیر مطرح می‌گردد:

- کدام‌یک از مؤلفه‌های کالبدی در ارتقاء حس تعلق به مکان محله آبشوران تأثیرگذارند؟
- یک مکان با چه خصوصیت کالبدی می‌تواند در ایجاد حس تعلق به مکان موفق باشد؟

جدول ۱: پیشینه پژوهش

|  |  |  |
|--|--|--|
| <p>نتایج نشان می‌دهد سه هنجار «تنوع و جذابیت»، «شخصیت کالبدی منحصر به فرد»، «دید و منظر» نسبت به سایر عوامل کالبدی همبستگی بیشتری با حس تعلق به مکان مورد مطالعه دارند و «انعطاف‌پذیری» از همبستگی پایین‌تری نسبت به سایر عوامل برخوردار است. همچنین، سنجه‌های «تسهیلات رفاهی»، «وجود پارکینگ»، «وجود نظم و هماهنگی»، «رعایت تناسبات بصری» و «ایمنی عابر پیاده» به ترتیب کمترین مطلوبیت را داشته‌اند و لازم است به‌منظور افزایش تعلق به مکان در بازطراحی فضا مورد توجه قرار گیرند.</p> | <p>تحلیلی بر عوامل کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان در مرکز قدیمی شهر سبزوار</p> | <p>دانش‌پور و صفار<br/>سبزوار (۱۳۹۷)</p> |
|--|--|--|

|   |  |                                    |
|---|--|------------------------------------|
| <p>نتایج حاکی از آنست که عناصر کالبدی (فرم و ابعاد عناصر، دسترسی و چینش فضا، مصالح و تزئینات، محرमित و اشراف) از مهم‌ترین شاخصه‌های ایجاد حس تعلق به مکان هستند. از منظر شاخص‌های غیر کالبدی، مجتمع‌های آپارتمانی دارای عملکرد بهتری‌اند. فعالیت و آسایش در هر دو گونه مسکن مورد بررسی، دارای تأثیر نسبتاً یکسانی است. در مجتمع‌های آپارتمانی، ابعاد اجتماعی و فردی در خانه‌های مستقل، معانی و نمادها، پیش‌بینی کننده‌های مطمئن‌تری در افزایش احساس تعلق ساکنین می‌باشند.</p> | <p>بررسی حس تعلق به مکان از منظر شاخص‌های کالبدی و غیر کالبدی در خانه‌های مستقل و مجتمع‌های آپارتمانی (مطالعه موردی: شهر تبریز)</p>  | <p>رشید کلویر و همکاران (۱۳۹۹)</p> |
| <p>نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میان متغیرهای بُعد روانشناسی، عناصر عاطفی، شناختی و رفتاری دل‌بستگی، عوامل کالبدی و اجتماعی و متغیرهای مستقل فردی رابطه معناداری با متغیر وابسته دل‌بستگی به مکان دارند. و مقایسه عوامل دل‌بستگی در بین چهار محدوده نشان می‌دهد که محله بافت حاشیه با کمترین میزان دل‌بستگی به محله، از میان ابعاد دل‌بستگی، بعد عاطفی و از میان عوامل دل‌بستگی، عامل کالبدی نقش مؤثرتری بر دل‌بستگی و تعلق مکان دارد.</p>                                      | <p>تبیین نقش عوامل مؤثر بر تعلق مکانی در بافت‌های شهری (مطالعه موردی: بافت قدیم، میانی، جدید و حاشیه‌ای شهر سنندج)</p>               | <p>اله ویسی و چاره جو (۱۴۰۰)</p>   |
| <p>نتایج نشان داد که در بخش مربوط به گویه‌های مورد مطالعه در آزمون تی تک نمونه‌ای شخصیت کالبدی منحصر به فرد بودن با میزان ۳/۹۰ در بالاترین سطح از میانگین قرار گرفته و در بین متغیرهای مستقل حس تعلق به مکان و شاخص‌های کالبدی آن همبستگی ضعیف بوده و همچنین رابطه آماری معناداری وجود ندارد.</p>   | <p>بررسی عناصر کالبدی حس تعلق به مکان در محلات شهری (مطالعه موردی: شهرک شهید بهشتی شهر شیراز)</p>                                    | <p>شهریاری و مشک سار (۱۴۰۰)</p>    |
| <p>نتایج نشان داد که ساختار نیازهای انسان بیشترین تأثیر را در ایجاد حس تعلق به مکان با مؤلفه، تأثیر از ادراک و رفتار در تعامل با محیط دارد و کمترین اثرگذاری هم مربوط به بعد تفسیری اثرگذاری جمعی است. باین وجود کل ابعاد مورد بررسی پژوهش در ایجاد حس تعلق به مکان، تأثیرگذارند.</p>   | <p>تحلیل تعامل انسان با محیط پیرامون از بعد تأثیرات ادراک و رفتار در حس تعلق به مکان (مورد مطالعه: مجتمع مسکن مهر مکریان مهاباد)</p> | <p>حسامی و همکاران (۱۴۰۱)</p>      |
| <p>او در پایان‌نامه خود ارتباط میان کیفیت و میزان رضایت از مکان را با متغیر تعلق مکانی مورد بحث قرار می‌دهد. نتایج نشان داد که رضایت از مکان در میزان تعلق مکانی افراد مؤثر است</p>   | <p>دل‌بستگی مکان: بررسی محیط و پیامدهای آن در بستری خدماتی</p>   | <p>بُرکاتو<sup>۱</sup> (۲۰۰۶)</p>  |
| <p>علاوه بر ارزیابی اثرات مقیاس مکان بر دل‌بستگی به مکان، به بررسی عوامل مؤثر و شکل‌دهنده تعلق به مکان پرداخته و با بیان مقیاس مکان به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر ارزیابی تعلق مکانی در سه مقیاس کوچک (خانه)، متوسط (محله) و بزرگ (شهر) پرداخته است. وی سه عامل جمعیتی، اجتماعی و محیطی را مؤثر بر شکل‌گیری تعلق و دل‌بستگی به مکان می‌داند.</p>  | <p>چه چیزی محلات را از خانه و شهر متفاوت می‌سازد</p>   | <p>لوکیا<sup>۲</sup> (۲۰۱۱)</p>    |

<sup>1</sup> Borcato

<sup>2</sup> Lewicka

|   |  |                                  |
|---|--|----------------------------------|
| نتایج نشان داد که رابطه ساکنین با محل زندگی، هم بر اساس اقدامات عملی و هم پاسخ‌های عاطفی استوار است "بعد عاطفی" منبع اصلی حس تعلق به مکان به حساب می‌آید: این امر به‌ویژه با معانی نمادین چشم‌انداز، عمدتاً از طریق خاطرات مهم، روابط اجتماعی و کیفیت زندگی تعیین می‌شود. | چشم‌انداز و احساس تعلق به مکان و ارتباط با مکان روزمره در تجربه برخی از مهاجران ساکن شمال شرقی ایتالیا | دناردی <sup>۱</sup> (۲۰۱۷)       |
| دل‌بستگی به مکان به خصوصیات کالبدی وابسته است و مکان‌هایی که از معانی غنی هستند میان مکان و افراد پیوند عاطفی ایجاد می‌کنند.  | تحلیل مفهوم دل‌بستگی مکانی در زمینه عوامل فضایی  | داری و اوزتا <sup>۲</sup> (۲۰۱۷) |

مأخذ: نگارندگان

## مبانی نظری پژوهش

### مکان

مکان قسمتی از فضا است که با فرد یا چیزی اشغال شده و دارای ارزش و بار معنایی است، بر همین اساس مکان را بخشی از فضا که سبب روابط اجتماعی مشخص می‌شود تعریف می‌کنند (Escalera - Reyes, 2020: 2). از نظر رلف<sup>۳</sup> کیفیت بی‌نظیر مکان؛ قدرت آن در نظم دادن و تمرکز فضایی بر نیات، تجربیات و اعمال انسان است. بنابراین، رلف فضا و مکان را به لحاظ دیالکتیکی در تجربه محیطی بشر می‌بیند، زیرا درک ما از فضا مربوط به مکان‌هایی است که در آن زندگی می‌کنیم که به‌نوبه خود از بافت مکانی آن‌ها معنی می‌گیریم. رلف در بررسی عمیق مکان، بر هویت افراد و مکان تمرکز می‌کند. یک مکان هنگامی مکان تلقی می‌شود که شخص با لایه‌های دیگر مرتبط شود، که این لایه‌ها به‌واسطه رابطه مشترک فعالیت با دیگران، در رابطه با طبیعت بودن بروز می‌کند. بر همین اساس شخص از لایه‌های دیگر و عالم خارج خود شناخت می‌یابد و این امر منجر به شناخت بهتر فرد از محیط و خودش می‌گردد (Relph et al, 2008: 2-4). و از نظر کانتز مکان مفهومی پیچیده و چندوجهی با تعاریف مختلف است که می‌توان آن را به‌نحوی نظامی از تجربیات که جنبه‌های مهم اجتماعی و فعالیت‌های مستقر در اجتماع را در برمی‌گیرند قلمداد کرد. وی همچنین مکان را قسمتی از فضای مصنوع و طبیعی می‌داند که محدوده‌ای مشخص داشته و اتصال‌دهنده میان ادراک محیط، خصوصیات کالبدی و فعالیت‌هاست (Stern, 2017: 10). از سویی دیگر، شولتز<sup>۴</sup> مکان را فضای ادراک شده و در پیوند

<sup>1</sup> Denardi

<sup>2</sup> Darby and Ozata

<sup>3</sup> Relph

<sup>4</sup> schulz

با حالات روحی، تجربیات و خاطرات فرد تعریف می‌کند زیرا مکان‌ها فضاهایی‌اند که زندگی در آن‌ها جاری‌ست (Cigli, ۲۰۰۸: ۱۴). به‌گونه‌ای که از نظرگاه توان<sup>۱</sup> مکان‌ها، فضای ارزش‌های قابل احساس‌اند. زمانی که فضا برای ما آشناست چنین فضایی به مکان تبدیل شده است (محبوب جلالی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۶). پیرو همین مسئله آلتمن نیز مکان را فضایی تعریف می‌کند که از طریق فرآیندهای شخصی، گروهی، فرهنگی به آن معنا داده شده است (Kolodziejki, 2014: 36).

### حس تعلق به مکان

در فرهنگ لغت دهخدا تعلق به معنای دل‌بستگی، دوستی، خویشی، محبت، پیوستگی، مالکیت، قرابت، تعلق خاطر، میل به کسی داشتن، عشق به چیزی داشتن است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۷۵۳). این حس را می‌توان به معنی برجسته و متفاوت بودن، استوار و ماندنی و متعلق به جمع نیز دانست (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۱). حس تعلق حسی است که منجر به رابطه و پیوند قوی میان فرد و محیط زندگی‌اش می‌شود به‌گونه‌ای که فرد خود را با محیط‌اش تعریف می‌کند. این امر سبب حضور فرد و ماندگاری او در محیط می‌شود و مکان برایش دارای احترام می‌گردد. بر همین اساس درک ذهنی مردم از محیط و حس آگاهانه آن‌ها از محیط‌شان حس مکان است. حسی که فرد را با محیط‌اش مرتبط می‌کند به‌گونه‌ای که احساس شخص با زمینه محیط یکی شود (صالحی، ۱۳۹۷: ۱۹). حس مکان با تعلق خاطر همراه و با دل‌بستگی عاطفی به مکان مرتبط است. با افزایش تعلق فرد به یک مکان توجه و مراقبت‌اش از آن مکان افزایش می‌یابد. مردم به تعلق و حس هویت به مکان و قلمرو ویژه نیازمندند. در طول زمان در مکان تجربه‌های مشترک و مهم بین مردم شکل می‌گیرد که حس تعلق متشکل از تعاملات و فعالیت‌های بین انسان - مکان و انسان - انسان در مکانی ویژه است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۱-۳۰). توان بیان داشت احساس تعلق به یک مکان زمانی اتفاق می‌افتد که بخشی از چگونگی تعریف شخص با برخی ویژگی‌های خاص آن مکان نمادین شود و در مقیاس‌های مختلف قابل تجزیه و تحلیل باشد (Chen et al., 2021: 1). پس یک مکان از طریق رابطه اجتماعی در مقیاس‌های کوچک و بسته موجب ایجاد حس تعلق به جمع شده و آن را قوت بخشد. علاوه بر این تعلق به مکان زمانی به وجود می‌آید که فرد در مکانش متولد شده نسبت به آن وابسته است که در طول زمان این حس شکل گرفته است. این حس در حضور فرد در مکان نقش مؤثری دارد (شهریاری و

<sup>1</sup> Tuan

مشک سار، ۱۴۰۰: ۶-۴). میچلریخ<sup>۱</sup> نیز در شکل‌گیری حس تعلق ساکنین یک محله مهم‌ترین عامل را خاطره و تجربه‌هایی می‌داند که فرد در رابطه باهم نوعان خود در محله به آن دست‌یافته است. وی رابطه تنگاتنگ و دوطرفه واحد مسکونی با بافت پیرامون خود را میدانی جهت ارتباط مشترک افراد و آرامش را که منجر به زیبایی فضای ذهنی بافت‌های قدیمی می‌شود را در حس تعلق مؤثر می‌داند. منظور از این حس آن است که افراد تمایل دارند خاطرات گذشته خود را حفظ کنند در وضع موجود و حال زندگی کنند و برای آینده بهتر خود تدابیری داشته باشند (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۴۵). در نتیجه احساس تعلق به دلیل اینکه شخص از طریق افراد، اشیاء یا خاطرات خاص با مکان خاص شناخته می‌شود در نظریه مکان مهم است. هرچه بیشتر شخص از طریق مشارکت‌های مثبت با یک مکان ارتباط برقرار کند بیشتر احساس ارتباط با آن دارد. احساس تعلق با هویتی که ممکن است در یک مکان خاص داشته باشد گره‌خورده است (Dowler, 2003: 32-33).

### حس تعلق از دیدگاه پدیدارشناسان

بر اساس این دیدگاه حس تعلق به معنی پیوندی قوی، محکم و عاملی مؤثر بین انسان و مکان با اجزا شکل‌دهنده آن است. که این پیوند مثبت بوده است و منجر به گسترش تعاملات در ارتباط انسان و محیط می‌گردد و باگذشت زمان عمیق‌تر می‌شود (حاتمی خانقاهی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰-۱۸). این دیدگاه تجربه را اصلی‌ترین و مهم‌ترین رکن ادراک معانی و مفاهیم یک مکان می‌داند زیرا معنا در یک مکان با ادراک افراد و مقوله‌های مرتبط آن ارتباط مستقیم دارد. به طوری که هر چه مدت ارتباط مردم با یک مکان بیشتر شود به همان میزان نسبت شناخت و ادراک مردم از مکان و معنای تعلق نیز افزایش می‌یابد (Kolesovs, 2021: ۲). حس تعلق در نگاه پدیدارشناسان با مکان دوستی (روح مکان) و در طراحی و معماری جداسازی کالبدی تعبیر می‌شود (قیاسی و صرافی‌گهر، ۱۳۹۵، ۱۴۸). رلف بیان می‌کند حس مکان عاملی است که از یک سو منجر به هماهنگی و کارکرد مناسب فضا می‌شود و از سوی دیگر عاملی برای احساس لذت، امنیت، ادراک عاطفی انسان به حساب می‌آید که منجر به هویت‌مندی و حس تعلق می‌گردد (سلطانی و حاتمی گلزاری، ۱۴۰۰: ۴۰-۳۸). هایدگر<sup>۲</sup> نیز معتقد است که معمار با ایجاد مکان، به بنا فرصت می‌دهد تا در معرض مواجهه و مراوده قرار گیرد. به طوری که اگر مکان به افراد اهداء شود نسبت به آن حس تعلق می‌یابد و می‌تواند آن را به ذهن بسپارد و به آن تقرب

<sup>1</sup> Micherlich

<sup>2</sup> Heidegger

جوید. و این همان مکانی است که به نیاز افراد پاسخ می‌دهد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۲). از سوی دیگر شولتز ماهیت مکان را کلیتی شامل عناصر ساخته‌شده، اشیا و آنچه که در ماهیت با روح مکان محسوب می‌گردد می‌داند و ساختار مکان را شامل سکنی‌گزینی، فضا و شخصیت و منظر تعریف می‌کند (اله‌ویسی و چاره‌جو، ۱۴۰۰: ۱۶۹).

### حس تعلق از دیدگاه روان‌شناسان محیطی

روانشناسان با بررسی محیط زندگی انسان و بررسی رفتار روزمره او به تدوین مبانی نظری منطبق بر فضاها و محیط پرداخته‌اند. در این دیدگاه "مکان رفتار" به واحد کوچک از اجتماع اطلاق می‌شود که تعریفی از مکان و فعالیت است و با فرآیند منظم عملکردهای مهم محیط رفتاری را برآورد می‌کند (ده بزرگی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۸۲). که ادراک، احساس و شناخت به عنوان سه عامل مهم در این رویکردند. ادراک قسمتی از جوهره انسان، احساس قسمتی از عکس‌العمل ذاتی انسان نسبت به محیط و شناخت روشی جهت بازخوانی و ذخیره‌سازی اطلاعات درک‌شده از محیط است. بنابراین، انواع نگرش‌های رابطه انسان و مکان در این دیدگاه شامل شناختی، اجتماعی و احساسی است (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵: ۷۱). روان‌شناسان حس تعلق را با دل‌بستگی مکان، وابستگی به مکان، هویت مکان نیز تعبیر می‌کنند. از نظریه‌پردازان این دیدگاه می‌توان به آلتمن، راپاپورت و استیل اشاره کرد (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۱-۶۰).

### حس تعلق از دیدگاه هستی‌شناسی

در این رویکرد توجه به نیازهای اساسی انسان ضرورت دارد. مدل‌های مختلف از نیازهای انسانی وجود دارد که مدل مازلو<sup>۱</sup> واجد اهمیت بیشتری است. مازلو ضمن تأکید بر نیاز و انگیزه‌های انسانی آن‌را از بدو تولد همراه انسان دانسته و اعتقاد دارد انسان در تعامل با محیط و تغییر در قابلیت‌های آن به دنبال ارضا این نیاز در سطوح مختلف است. او نیاز انسان را به نیاز اولیه و عالییه دسته‌بندی می‌کند که نیاز به تعلق در دسته عالییه قرار می‌گیرد و باید مورد توجه واقع شود (Strayhorn, 2018: 2). همچنین، از نظر لینگ ابعاد ذهنی افراد استفاده‌کننده از شهر، نشانگر وجود ماهیت مختلف از حس تعلق افراد نسبت به فضا است که افراد فضا را مطابق نیازهای اساسی خود تعبیر و از نظر انگیزش و شایستگی‌های خود معنی تعلق خاص خود را از محیط استنباط می‌کنند (جنت پور و کریمی آذر ۱۳۹۷: ۳۱).

<sup>1</sup> Maslow



## جدول ۲: عوامل مؤثر و شکل‌دهنده حس تعلق به مکان

| عوامل        | شرح   |
|--------------|---|
| عوامل انسانی | <ul style="list-style-type: none"> <li>عوامل فردی مانند، نقش اجتماع شخصی در شغل و خانواده، شخصیت، انگیزش، تربیت، شرایط روحی و اقتصاد</li> <li>زمینه جغرافیایی، فرهنگی، ملی، قومی و غیرفردی</li> <li>تصورات ذهنی: رضایت‌مندی، امنیت، رابطه‌ها و توقعات، تعلق قبلی</li> <li>ویژگی فردی: فرهنگ مرجع، مدت اقامت</li> <li>معنا و خاطره‌انگیزی: ماندگاری، آشنایی با مکان، خوانایی، دل‌بستگی به مکان، وابستگی عاطفی به مکان. وجود اقوام و بستگان، سکونت، المان خاطره‌انگیز، بناهای تاریخی</li> </ul>   |
| عوامل محیطی  | <ul style="list-style-type: none"> <li>معنای محیط: که دربرگیرنده ترکیب معانی محیط مانند نشانه، هویت است</li> <li>قابلیت‌های محیطی جهت فرصتی برای انجام فعالیت‌ها؛ ممکن است استفاده از محیط، ارتباط افراد و حضور در محیط باشد</li> <li>موقعیت: که بافت کلی و فاصله و هم‌جواری در مبدأ فضاهای دیگر را در برمی‌گیرد</li> <li>کالبد: فرم، خدمات محلی، مکان‌های شاخص، روابط و سازمان‌دهی تمایز شخص، بومی‌گرایی، محصوریت(مسائل اقلیمی در طراحی، مقیاس انسانی، وجود جداره پیوسته، ابنیه تاریخی، مصالح)</li> <li>اجتماع: تعاملات اجتماعی، طبقات اجتماعی، سایر افراد در بافت</li> <li>عوامل روانی - اجتماعی: ۱. کالبد فضای عمومی ۲. الگو پایداری رفتار ۳. دوره زمانی ماندگار</li> <li>کارکرد و فعالیت: تعاون و همکاری محلی، رویدادهای محلی. گوناگونی، سرزندگی، رضایت‌مندی هنر خیابانی، نشانه های شاخص، تنوع، قرارگاه رفتاری</li> <li>عوامل جغرافیایی: اقلیم، اقتصاد، فرهنگ، سیاست</li> </ul> |

منبع: نگارندگان با اقتباس از (نصیری، ۱۳۹۱: ۹)، (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۲-۷۳) و (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۳).

|                           |  |
|---------------------------|--|
| تعلق اخلاقی و ایدئولوژیکی | هرچه مکان از نظر کالبدی و فضایی بیشتر با اصول عقیدتی فرد و باید و نبایدها و ارزش‌های جامعه هم‌جهت باشد تعلق خاطر آن بیشتر است. در تعلق جمعی و هویت‌مندی فضای محله، فضای فکری حاکم در محله سنتی نقشی مهم ایفا می‌کند. این فضای فکری که نشأت گرفته از پیش‌افتادگی اخلاقی و ارزش‌های انسانی اهل محل بوده منجر به تعلق اخلاقی و مسئولیت‌پذیری نسبت به مکان و فضا |
| تعلق اجتماعی              | این تعلق بر اساس کنش و تعاملات اجتماعی در محیط شکل می‌گیرد به همین منظور محیط ترکیبی از عناصر اجتماعی و تعلق را داراست که شخص در آن در پی تعلق خاطر خود است.   |
| تعلق روحی و روانی         | ساختار اجتماعی که شامل سازمان‌ها و نهادهای مردمی، برگزاری آیین‌های جمعی و روابط همسایگی، وقایع و خاطرات، طبقات اجتماعی هم سطح، آشنایی افراد محلی می‌باشد و در ساختار کالبدی(نام‌ها و اسامی، عناصر خاطره‌ساز، ابنیه تاریخی، درون‌گرایی، نشانه‌ها و مرکز محله) مؤثر می‌باشد.   |
| تعلق کالبدی               | شخص محیط را به همراه عنصرهای کالبدی مکان به یاد می‌سپارد. بنابراین تعامل کالبدی فرد با مکان تعلق کالبدی را به همراه دارد. پروشانسکی به عنصر کالبد در محیط‌های انسانی و نقش آن در شکل‌گیری و تداوم هویت اشاره می‌کند.   |
| بیوگرافیکی                | هر چه مدت سکونت انسان در یک محل طولانی‌تر شود به‌خصوص هنگامی که شخص در محیطی زندگی کند که در آن تولد یافته حس تعلق افزایش می‌یابد. به همین اساس تولد و سکونت عامل مهمی در حس تعلق به مکان است.   |

شکل ۱: انواع حس تعلق به مکان منبع: نگارندگان با اقتباس از (پیربابایی و سجاده‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۵-۲۲).

(کاوپانی، ۱۳۹۵: ۴۵)، (نصیری، ۱۳۹۱: ۷).

## تعلق کالبدی به مکان

این نوع از تعلق از اجزا و عناصر کالبدی مکان به عنوان قسمتی از فرآیند هویت و شناخت انسانی برگرفته شده است. لاوارکاس<sup>۱</sup> در مطالعاتش به نقش اساسی و مهم تعلق کالبدی اشاره و آن را زمینه ریشه‌داری ذکر می‌کند که بر اساس آن شخص محیط را از طریق عناصر کالبدی آن در شکل‌دهی معنای تعلق به ذهن می‌سپارد (نژاد ابراهیمی و شیخ‌الحکمایی، ۱۴۰۰: ۶۲). علاوه بر آن تیلور<sup>۲</sup> نیز در مطالعه خود از فضای عمومی در واحد همسایگی، به عناصر کالبدی اشاره و از آن به عنوان تعامل کالبدی نام می‌برد که همان تعلق کالبدی به مکان است. به طوری که پروشانسکی قبل از این دو به ضرورت توجه به مؤلفه‌های کالبدی در محیط و نقش آن در تداوم و شکل‌گیری هویت افراد اشاره نموده است. او با تأکید بر نقش حس تعلق کالبدی در محیط به عنوان قسمتی از هویت مکانی، آن را بخشی از هویت فردی و در نهایت هویت اجتماعی مردم در محیط‌های مختلف می‌داند (محمدمرادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۶). اخیراً پژوهش‌های بسیاری رابطه مشخصه‌های فضای کالبدی و تعاملات اجتماعی را مورد توجه قرار داده‌اند. دیدگاه آن‌ها بر این اساس بوده که در هر محیط فضای کالبدی همچون سامانه‌ای فضایی عمل می‌کند که بر تعاملات اجتماعی مؤثر است. شناخت و درک شخص از مکان شروط اول و مهم برای ایجاد حس تعلق به مکان است (اله‌ویسی و چاره‌جو، ۱۴۰۰: ۱۶۹-۱۶۶). به طوری که محیط‌های با تمایز کالبدی و خوانا برای استفاده‌کنندگان مطلوب بوده و ادراک بهتری از آن صورت می‌گیرد. عوامل کالبدی مانند حدود مالکیت و همسایگی، مشخص بودن حریم‌ها از مهم‌ترین عامل‌های ادراک افراد از محیط‌اند که شخص مطابق شایستگی و انگیزه‌های خود به کنکاش و تجربه محیط می‌پردازد (دانش‌پایه و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۱-۱۴۰). مطابق نظریه مکان-رفتار در روان‌شناسی محیط، محیط به دو عامل کالبدی و فعالیت دسته‌بندی می‌گردد. کالبد با متغیر ساماندهی اجزا و فرم به‌مثابه مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری حس تعلق ارزیابی می‌شود. مؤلفه‌های کالبدی به واسطه تمایز در محیط و ارتباط میان بیرون و درون فضا به ایجاد حس تعلق می‌پردازد. بنابراین، بافت و مقیاس، شکل، رنگ، و اندازه به عنوان ویژگی‌های فرم، هر یک بر حس تعلق نقش مؤثر داشته‌اند. زیرا عناصر کالبدی به واسطه همسازی و قابلیت تأمین نیازهای انسانی در مکان در ایجاد حس تعلق مؤثراند (حسامی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۵-۴۴).

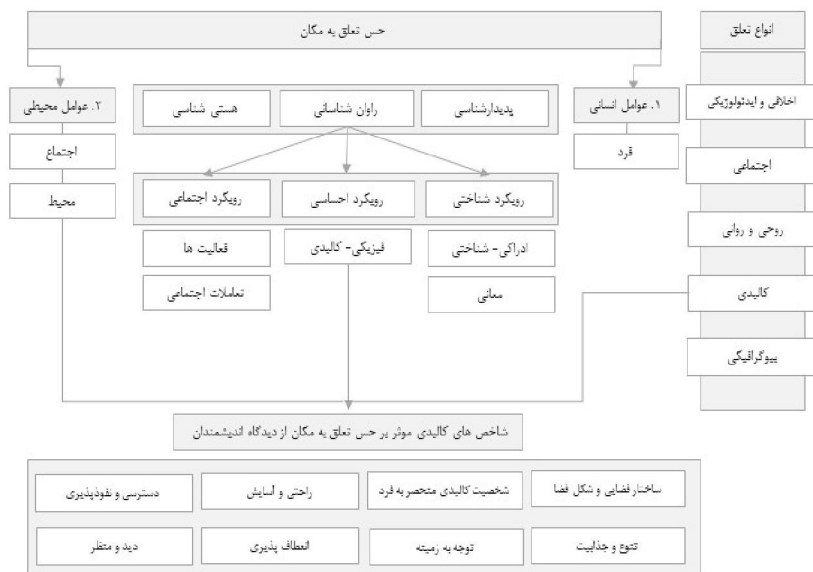
<sup>1</sup> Lavarkas

<sup>2</sup> Taylor

جدول ۱-۳: شاخص‌های مؤثر در ایجاد حس تعلق به مکان از دیدگاه اندیشمندان

| منبع                          | عوامل  | نظریه پرداز            |
|-------------------------------|--|------------------------|
| (Altman and Low, 1992: 5)     | قابل دسترس بودن، انعطاف پذیری، اختصاصی بودن، مقیاس، تعیین قلمرو، عقاید فرهنگی مرتبط کننده با محیط  | (Altman 1975)          |
| (رلف، ۱۳۸۹: ۵۱-۵۰)            | حواس پنج گانه، عناصر تحریک کننده حواس، مرز و قلمرو.  | (Relph 1976)           |
| (شولتز، ۱۳۸۸: ۴۰-۳۴)          | مقیاس انسانی، محصور بودن، تداوم، مرکزیت، تراکم، تنوع در عین وحدت، مرز و قلمرو  | (Schulz 1976)          |
| (راپاپورت، ۱۳۹۲: ۱۱۱)         | نشانه کالبدی، تجارب اجتماعی، نماد و سمبل‌های فرهنگی، نگرش فرد و ارتباطات محیط  | (Rappoport ۱۹۷۷)       |
| (لینچ، ۱۳۷۸: ۱۹۸-۱۹۲)         | کنترل و نظارت، سرزندگی، دسترسی، معنی، عدالت، سازگاری، کارایی سادگی فرم، تنوع، متمایز بودن، استمرار، عرصه دید، تسلط و غلبه داشتن، عوامل گروهی زمانی | (Lynch 1980)           |
| (Steele, 1984: 31-44)         | سرزندگی، مقیاس انسانی، اندازه مکان، تناسب، امنیت، فاصله، هویت، تنوع بصری، درجه محصوریت، رنگ، صدا، بو   | (Fritz Steele ۱۹۸۴)    |
| (پاکزاد، ۱۳۸۸، ۴۳۴-۴۱۶)       | تعیین مرز و قلمرو مشخص، انعطاف پذیری، وحدت در فضا  | Erika Spiegel (۱۹۸۴)   |
| (کرمونا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹۳) | شکل ساخت و مبلمان شهری، نفوذپذیری، چشم انداز، منظر شهری  | Johan Punter (۱۹۹۱)    |
| (Bonaiuto, 2003: 41-52)       | پایداری، تسهیلات، تناسب مکان با عملکرد و زمینه، مشخصات بصری  | Bonaiuto Marino (2000) |
| (دانش پایه، ۱۳۹۶: ۲۷-۲۸)      | ایمنی و امنیت، اختلاط کاربری، دسترسی، منظر شهری، فضای همگانی   | (Carmona 2003)         |
| (Lewicka, 2011: 218)          | عناصر متمایز، اندازه، مقیاس، محصوریت، تنوع، بوم گرایی  | Maria Lewicka (۲۰۱۱)   |

منبع: نگارندگان



شکل ۲: چهارچوب نظری پژوهش منبع: نگارندگان

## روش پژوهش

پژوهش حاضر ماهیتاً توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف نوع آن کاربردی است. همچنین، جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش غیرمستقیم مطالعات کتابخانه‌ای و روش مستقیم مطالعات میدانی (مشاهده و پرسشنامه) استفاده شده است. به‌گونه‌ای که از مطالعات کتابخانه‌ای جهت رسیدن به مبانی نظری پژوهش (مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان)، و از برداشت میدانی و پرسشنامه جهت کشف روابط و چگونگی تعامل بین متغیرهای ساختار واقعی در شرایط موردبررسی (تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر حس تعلق به مکان) بهره گرفته شده است. بدین ترتیب، ابتدا وضع موجود محله آبشوران مورد بازدید میدانی قرار گرفت. در گام بعدی، پرسشنامه‌ای با توجه به دو پارامتر حس تعلق به مکان (متغیر وابسته) و مؤلفه‌های کالبدی حس تعلق (متغیر مستقل) جهت کامل‌شدن شناخت و روابط بین متغیرها مدون شد. سؤالات پرسشنامه در طیف لیکرت<sup>۱</sup> طراحی گردید و با استفاده از آن موردسنجش ساکنین قرار گرفت. جامعه آماری تمام ساکنین محله آبشوران شهر کرمانشاه بوده است که در این میان ۲۸۵ نفر به‌عنوان حجم نمونه با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی با جدول مورگان انتخاب شده‌اند. این حجم نمونه با توجه به تعداد ساکنین در محله آبشوران که شامل ۱۱۱۱ نفر می‌باشد به‌دست آمده است.

<sup>۱</sup> Rensis Likert

در این پژوهش جهت تحلیل اطلاعات ابتدا وضع موجود محله آبشوران با روش‌های مختلف مطالعات میدانی (مشاهده و پرسشنامه) برداشت شد. سپس با نرم‌افزار تحلیلی SPSS تحلیل اطلاعات حاصل از پرسشنامه صورت گرفت. با توجه به آنکه روش تجزیه و تحلیل داده به ماهیت و نوع داده بستگی دارد؛ از این‌رو، در پژوهش حاضر جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو شیوه آمار توصیفی و آمار استنباطی با توجه به ماهیت و نوع داده استفاده شد. به این صورت که با به دست آوردن فراوانی و درصد، متغیرهای مورد مطالعه توصیف شده‌اند. مضاف بر آن، در زمینه آمار استنباطی داده‌های حاصل از پرسشنامه در قالب آزمون آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره، سؤالات پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته است. لازم به ذکر است که پایایی پرسشنامه با آلفای کرونباخ سنجیده شده و با توجه به ضریب به دست آمده (۰٫۸۳۷)، پرسشنامه از پایایی مناسب جهت بررسی موضوع برخوردار است.

جدول ۴: پایایی پرسشنامه

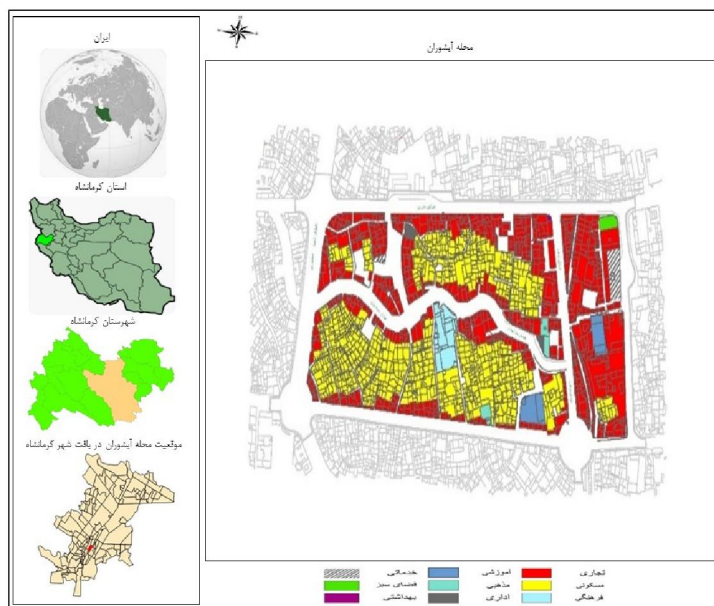
| Reliability Statistics |            |
|------------------------|------------|
| Cronbach's Alpha       | N of Items |
| .۸۳۷                   | ۵۵         |

منبع: نگارندگان

### معرفی نمونه مطالعاتی

محله آبشوران (به کردی ناشوورا) در شهر کرمانشاه، از قدیمی‌ترین محلات شهر و یکی از اصلی‌ترین هسته‌های اولیه شکل‌گیری شهر است. آبشوران در بافت تاریخی شهر قرار دارد و قدمت آن به دوران زندیه بازمی‌گردد. این محله در محدوده منطقه سه واقع شده است و در حال حاضر در حوزه نظارت شهرداری منطقه سه شهر قرار دارد (مهندس مشاوران تدبیر شهر، ۱۳۸۶: ۵۳-۵۱). مساحت این محله برابر ۱۸۰۳۱۰ مترمربع است که ۳۲۳ خانوار را مطابق سرشماری ۱۳۹۵ در خود جای داده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه، ۱۳۹۷: ۲۰۰). این محله از سمت غرب به خیابان مدرس، از شمال به خیابان نواب صفوی، از جنوب غربی به خیابان شهید مطهری، از شرق به خیابان دکتر علی شریعتی، از جنوب به میدان شهید گمنام، از شمال شرقی به میدان غدیر و از شمال غربی به سواره نواب محدود می‌شود. از بناهای شاخص این محله می‌توان به مسجد بنکداران، حمام حسن‌خان، بازار اسلامی، تکیه معاون‌الملک و موزه مردم‌شناسی شهر اشاره کرد. این محله همچنین دارای لبه‌های فعال و نیمه‌فعال تجاری بسیاری است که با وجود هم‌جواری با محله بازار و حیات اقتصادی، دارای بخش‌هایی به صورت

متروکه و مخروبه است و مطابق طرح نوسازی و بهسازی بافت فرسوده کرمانشاه بافت فرسوده تلقی می‌شود.



شکل ۳: موقعیت محله آبشوران در بافت شهر کرمانشاه منبع: نگارندگان

## یافته‌ها

با تکیه بر مبانی نظری پژوهش ۸ شاخص کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان مشخص و در قالب ۴۳ زیر شاخصه در محله آبشوران شهر کرمانشاه موردسنجش قرار گرفتند. تا تأثیر هر شاخص بر حس تعلق به مکان محله آبشوران مشخص گردد.

جدول ۱-۵)، شاخص و گویه‌ها کالبدی حس تعلق به مکان

| گویه‌ها  |   | شاخص                              |
|--|---|-----------------------------------|
| استفاده از هنرهای همگانی   | وجود نشانه‌ها   | شخصیت کالبدی منحصر به فرد (تمایز) |
| مشخص بودن مرز و قلمرو فضا  | استفاده از فرم و شکل منحصربه‌فرد  |                                   |
| توجه به ساختمان‌های تاریخی موجود   | تداوم، رنگ، بافت و مصالح در عناصر کالبدی کف و بدنه داخل فضا و متضاد با محیط اطراف | توجه به زمینه                     |
| استفاده از سمبل و نمادهای فرهنگی - اجتماعی در طراحی کالبدی بوم‌گرایی در مصالح و در پوشش گیاهان | هماهنگی بافت جدید با بافت موجود از نظر کاربری و فرم کالبدی                        |                                   |
| تسلسل مسیرهای حرکت و نقاط مکث  | رعایت الگوی مناسب بلوک‌ها و خیابان‌ها   | ساختار فضایی و شکل                |

|                    |   |   |
|--------------------|---|---|
| متناسب فضا         | محصور بودن مناسب با فضا   | تناسبات بصری در فضا                                     |
|                    | توجه به مقیاس انسانی  | رعایت سلسله مراتب خیابان‌ها                             |
| تنوع و جذابیت      | تنوع در کاربری‌ها<br>وجود محرک‌های حسی مختلف (حواس پنج‌گانه انسان)<br>تنوع کالبدی و جذابیت بصری   |   |
| راحتی و آسایش      | توجه به اقلیم و آب‌وهوای شهری   | وجود تسهیلات رفاهی مانند مکان‌های مناسب نشستن           |
|                    | پاکیزگی فضا و عدم تجمع آلودگی   | مشخص بودن حدود مالکیت عمومی و خصوصی                     |
|                    | عدم وجود کاربری‌های مخروبه و متروکه   | نورپردازی مناسب فضا در شب                               |
|                    | فقدان فضاهای غیرقابل دفاع   | تعین سیستم حرکتی پیاده (به گونه‌ای که امنیت تأمین گردد) |
| انعطاف‌پذیری       | پرهیز از اختصاصی کردن فضاها و تفکیک کالبدی<br>انعطاف در عناصر مستقر در فضا<br>انعطاف در بدنه‌ها و کف فضا  |   |
| دسترسی و نفوذپذیری | وجود مسیرهای کافی برای رسیدن به فضا   | کارایی حمل‌ونقل همگانی                                  |
|                    | دسترسی مطلوب عابر پیاده   | وضوح اطلاعات و علامت‌ها                                 |
|                    | عدم وجود موانع دید در جهت حفظ نفوذپذیری فضا   | رویت‌پذیری از فاصله دور                                 |
| دید و منظر         | دیده‌های متمرکز، نظم و هماهنگی، خط آسمان، خط بام، فرم ساختمان، رفع ناهنجاری‌های بصری، محدود کردن نشانه‌ها به محل‌های مهم منظر شهری، تباین و گوناگونی در فضا |   |

منبع: نگارندگان

### ارزیابی و تحلیل داده‌ها: آمار توصیفی

در این پژوهش مطابق توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس جنسیت از حجم نمونه ۱۷۶ نفر، ۷۱٫۶۳ درصد را مردان و ۲۸٫۳۷ درصد را زنان به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، از نظر سن؛ بیشترین رده سنی مربوط به افراد (۳۰-۴۰) و کمترین رده مربوط به گروه سنی (۵۰) سال به بالا) است. از نظر سواد، سطح تحصیلات لیسانس با ۳۸٫۴ درصد بالاترین میزان باسوادی و ارشد و بالاتر با ۰٫۶ درصد کمترین میزان است. نتایج دیگر حاکی از آن است که ۳۷٫۷ درصد از ساکنین رده سنی ۱۰ تا ۱۵ سال بیشترین درصد و رده سنی زیر ۵ سال با ۸٫۴ درصد کمترین میزان سکونت در محل را به خود اختصاص داده است. مضاف بر آن، بیشترین علت سکونت در محله نزدیکی به محل کار با ۳۱٫۳ درصد و احساس تعلق خاطر با ۳۰٫۷ درصد و در رده‌های پایین‌تر به ترتیب (هزینه پایین مسکن با ۱۱٫۰ درصد، سکونت در خانه پدری ۱۸٫۰ درصد و سایر نیز ۹٫۰ درصد) اشاره شده است.

لازم به ذکر است، جهت سنجش تأثیرگذاری شاخص‌های کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان، ابتدا حس تعلق ساکنان محله آبشوران با ۱۲ گویه موردسنجش قرار گرفته است. نتایج بیانگر حس تعلق ساکنان به محله آبشوران است به طوری که مطابق جدول ۱-۶ بیشتر گویه‌ها حس تعلق متوسط و رو به بالایی را نشان می‌دهند.

جدول ۱-۶) تحلیل پرسشنامه مبتنی بر آمار توصیفی

| درصد فراوانی هر یک از پاسخ‌ها |      |       |      |         |         | میزان حس تعلق ساکنین محله در وضع موجود               |
|-------------------------------|------|-------|------|---------|---------|--|
| خیلی زیاد                     | زیاد | متوسط | کم   | خیلی کم | میانگین |  |
| ۴,۸                           | ۱۷,۵ | ۴۰,۴  | ۱۹,۳ | ۱۸,۰    | ۳,۲۸    | من از زندگی در محله راضی و خشنودم                    |
| ۹,۰                           | ۲۰,۵ | ۵۳,۰  | ۹,۶  | ۷,۹     | ۲,۸۷    | احساس افتخار به علت معروف بودن و متمایز بودن محله    |
| ۷,۲                           | ۱۶,۹ | ۴۰,۴  | ۱۸,۷ | ۱۶,۸    | ۳,۲۱    | من در اینجا بیشتر از هر جای دیگر احساس راحتی می‌کنم  |
| ۱۵,۱                          | ۲۷,۷ | ۲۶,۵  | ۱۹,۳ | ۱۱,۴    | ۲,۸۴    | این محله برای من سرشار از معنی است                   |
| ۲۱,۷                          | ۲۴,۷ | ۳۵,۵  | ۱۱,۴ | ۶,۷     | ۲,۲۷    | مردم دوستی   |
| ۳,۶                           | ۵,۴  | ۲۷,۱  | ۲۶,۵ | ۳۷,۴    | ۳,۸۹    | علاقه افراد به همدیگر                                |
| ۱۰,۸                          | ۲۱,۷ | ۴۰,۴  | ۱۳,۳ | ۱۳,۸    | ۲,۹۸    | مناسب و سازگار با سبک زندگی من                       |
| ۱۴,۵                          | ۲۴,۱ | ۳۷,۳  | ۱۲,۰ | ۱۲,۱    | ۲,۸۳    | من از بودن در این محله بیش از هر جا لذت می‌برم       |
| ۲۱,۱                          | ۲۵,۳ | ۳۰,۷  | ۸,۴  | ۱۴,۵    | ۲,۷۰    | بی‌رغبت به نقل مکان به جایی دیگر به علت عادت به محله |
| ۳۶,۱                          | ۳۱,۹ | ۲۱,۱  | ۷,۲  | ۳,۷     | ۲,۱۰    | این محله برای من خیلی مهم است                        |
| ۲۱,۱                          | ۳۰,۱ | ۲۸,۹  | ۱۰,۸ | ۹,۱     | ۲,۵۷    | من به این محله بسیار دل بسته‌ام                      |
| ۲۱,۱                          | ۱۷,۵ | ۳۹,۸  | ۱۳,۹ | ۷,۷     | ۲,۷۰    | اجتماع و دیدار افراد محله                            |

منبع: یافته‌های پژوهش

از سوی دیگر همان‌طور که پیش‌ازاین ذکر شد ۸ شاخص کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان در قالب ۴۳ گویه در محله آبشوران موردسنجش قرار گرفتند. نتایج این سنجش نشان‌دهنده آن است که اکثر گویه‌ها در وضعیت متوسطی قرار دارند و تنها چند گویه همچون تداوم، رنگ، بافت و مصالح در عناصر کالبدی داخل فضا و متضاد با محیط اطراف، استفاده از سمبل و نمادهای فرهنگی- اجتماعی در طراحی کالبدی، هماهنگی بافت جدید با بافت موجود از نظر کاربری و فرم کالبدی، رعایت الگوی مناسب بلوک‌ها و خیابان‌ها، تنوع کالبدی و جذابیت بصری، وجود تسهیلات رفاهی مانند مکان‌های مناسب نشستن، پاکیزگی فضا و عدم تجمع آلودگی، فقدان فضاهای غیرقابل دفاع، تعیین سیستم حرکتی پیاده به گونه‌ای که امنیت تأمین



گردد، رفع ناهنجاری‌های بصری، محدود کردن نشانه‌ها به محل‌های مهم منظر شهری به ترتیب با میانگین (۳,۶۷)، (۴,۵۵)، (۴,۰۶)، (۴,۰۸)، (۳,۸۰)، (۳,۶۴)، (۴,۴۰)، (۴,۲۷)، (۴,۲۸)، (۴,۲۷) در وضعیت خیلی کم و ضعیفی قرار دارند.

جدول ۷: تحلیل پرسشنامه مبتنی بر آمار توصیفی

| درصد فراوانی هر یک از پاسخها |         |      |       |      |           | سنجش شاخص‌های کالبدی حس تعلق به مکان در محله<br>آبشوران                 |
|------------------------------|---------|------|-------|------|-----------|---|
| میانگین                      | خیلی کم | کم   | متوسط | زیاد | خیلی زیاد |   |
| ۲,۸۴                         | ۱۱,۴    | ۱۹,۳ | ۲۶,۵  | ۲۷,۷ | ۱۵,۱      | وجود نشانه‌ها   |
| ۳,۱۶                         | ۱۵,۷    | ۲۲,۳ | ۳۴,۹  | ۱۶,۳ | ۱۰,۸      | استفاده از هنرهای همگانی  |
| ۲,۴۰                         | ۹,۰     | ۹,۳  | ۳۰,۵  | ۲۷,۱ | ۲۴,۱      | استفاده از فرم و شکل منحصر به فرد                                       |
| ۳,۰۴                         | ۱۳,۲    | ۱۳,۹ | ۴۴,۰  | ۲۱,۱ | ۷,۸       | مشخص بودن مرز و قلمرو فضا   |
| ۳,۶۷                         | ۳۹,۲    | ۱۶,۳ | ۲۶,۵  | ۹,۰  | ۹,۰       | تداوم، رنگ، بافت و مصالح در عناصر کالبدی داخل فضا و متضاد با محیط اطراف |
| ۳,۲۱                         | ۱۶,۸    | ۱۸,۷ | ۴۰,۴  | ۱۶,۹ | ۷,۲       | توجه به ساختمان‌های تاریخی موجود  |
| ۴,۵۵                         | ۷۱,۱    | ۱۸,۱ | ۷,۲   | ۲,۴  | ۱,۲       | استفاده از سمبل و نمادهای فرهنگی - اجتماعی در طراحی کالبدی              |
| ۲,۴۰                         | ۹,۰     | ۹,۳  | ۳۰,۵  | ۲۷,۱ | ۲۴,۱      | بوم‌گرایی در مصالح و در پوشش گیاهان                                     |
| ۴,۰۶                         | ۴۷,۰    | ۱۹,۹ | ۲۵,۹  | ۶,۶  | ۰,۶       | همانگی بافت جدید با بافت موجود از نظر کاربری و فرم کالبدی               |
| ۴,۰۸                         | ۵۰,۰    | ۲۱,۱ | ۱۹,۹  | ۵,۴  | ۳,۶       | رعایت الگوی مناسب بلوک‌ها و خیابان‌ها                                   |
| ۳,۲۸                         | ۱۵,۸    | ۲۸,۹ | ۳۴,۳  | ۱۰,۲ | ۱۰,۸      | تسلسل مسیره‌های حرکت و نقاط مکث   |
| ۱,۶۶                         | ۰,۲     | ۶,۶  | ۹,۵   | ۲۵,۳ | ۵۸,۴      | محصور بودن مناسب با فضا   |
| ۲,۱۰                         | ۶,۰     | ۱۲,۷ | ۱۱,۴  | ۲۴,۷ | ۴۵,۲      | تناسبات بصری در فضا   |
| ۲,۷۰                         | ۱۴,۵    | ۸,۴  | ۳۰,۷  | ۲۵,۳ | ۲۱,۱      | توجه به مقیاس انسانی  |
| ۳,۱۱                         | ۱۵,۱    | ۱۹,۳ | ۳۸,۵  | ۱۵,۱ | ۱۲,۰      | رعایت سلسله‌مراتب خیابان‌ها   |
| ۲,۹۸                         | ۹,۶     | ۱۲,۷ | ۴۶,۴  | ۲۸,۳ | ۳,۰       | تنوع در کاربری‌ها   |
| ۲,۸۰                         | ۷,۲     | ۱۶,۳ | ۳۴,۵  | ۳۲,۵ | ۹,۵       | وجود محرک‌های حسی مختلف (حواس پنج‌گانه انسان)                           |
| ۳,۸۰                         | ۳۵,۰    | ۲۵,۳ | ۲۶,۵  | ۱۱,۴ | ۱,۸       | تنوع کالبدی و جذابیت بصری   |
| ۲,۹۶                         | ۱۲,۴    | ۱۰,۸ | ۳۶,۷  | ۲۸,۷ | ۱۱,۴      | توجه به اقلیم و آب‌وهوای شهری   |
| ۳,۶۴                         | ۳۱,۴    | ۱۹,۳ | ۳۴,۹  | ۱۰,۸ | ۳,۶       | وجود تسهیلات رفاهی مانند مکان‌های مناسب نشستن                           |
| ۴,۴۰                         | ۶۱,۵    | ۲۴,۷ | ۷,۸   | ۴,۲  | ۱,۸       | پاکیزگی فضا و عدم تجمع آلودگی   |
| ۳,۱۰                         | ۱۳,۸    | ۱۵,۷ | ۴۲,۸  | ۲۲,۳ | ۵,۴       | مشخص بودن حدود مالکیت عمومی و خصوصی                                     |
| ۲,۱۰                         | ۶,۰     | ۱۲,۷ | ۱۱,۴  | ۲۴,۷ | ۴۵,۲      | وجود کاربری‌های مخروبه و متروکه   |
| ۳,۵۸                         | ۱۷,۲    | ۳۴,۱ | ۳۳,۱  | ۱۰,۸ | ۴,۸       | نورپردازی مناسب فضا در شب   |
| ۴,۲۷                         | ۵۵,۴    | ۲۴,۱ | ۱۵,۷  | ۱,۸  | ۳,۰       | فقدان فضاهای غیرقابل دفاع   |

|      |      |      |      |      |      |   |
|------|------|------|------|------|------|---|
| ۴,۲۸ | ۵۴,۸ | ۲۲,۳ | ۱۹,۹ | ۱,۸  | ۱,۲  | تعین سیستم حرکتی پیاده به گونه‌ای که امنیت تأمین گردد |
| ۲,۹۰ | ۱۴,۴ | ۱۵,۱ | ۳۶,۱ | ۱۵,۱ | ۱۹,۳ | پرهیز از اختصاصی کردن فضاها و تفکیک کالبدی            |
| ۳,۳۷ | ۱۹,۹ | ۱۵,۷ | ۳۸,۵ | ۱۵,۷ | ۱۰,۲ | انعطاف در عناصر مستقر در فضا                          |
| ۳,۱۶ | ۱۵,۷ | ۲۲,۳ | ۳۴,۹ | ۱۶,۳ | ۱۰,۸ | انعطاف در بدنه‌ها و کف فضا                            |
| ۳,۱۳ | ۱۸,۰ | ۱۵,۱ | ۳۹,۲ | ۱۶,۹ | ۱۰,۸ | وجود راه‌های کافی برای رسیدن به فضا                   |
| ۲,۴۵ | ۷,۳  | ۶,۰  | ۳۴,۹ | ۲۷,۷ | ۲۴,۱ | کارایی حمل‌ونقل همگانی                                |
| ۲,۷۰ | ۸,۴  | ۷,۸  | ۴۱,۶ | ۲۹,۵ | ۱۲,۷ | دسترسی مطلوب عابر پیاده                               |
| ۳,۲۸ | ۱۸,۰ | ۱۹,۳ | ۴۰,۴ | ۱۷,۵ | ۴,۸  | وضوح اطلاعات و علامت‌ها                               |
| ۳,۲۷ | ۲۴,۷ | ۱۵,۷ | ۲۸,۳ | ۲۴,۱ | ۷,۲  | عدم وجود موانع دید در جهت حفظ نفوذپذیری فضا           |
| ۲,۷۰ | ۷,۷  | ۱۳,۹ | ۳۹,۸ | ۱۷,۵ | ۲۱,۱ | رؤیت‌پذیری از فاصله دور                               |
| ۲,۸۷ | ۹,۱  | ۱۸,۷ | ۳۳,۷ | ۲۷,۷ | ۱۰,۸ | دیدهای متمرکز   |
| ۲,۸۹ | ۱۰,۲ | ۱۵,۷ | ۳۸,۰ | ۲۴,۷ | ۱۱,۴ | نظم و هماهنگی   |
| ۲,۸۹ | ۱۰,۲ | ۱۵,۷ | ۳۸,۰ | ۲۴,۷ | ۱۱,۴ | خط آسمان  |
| ۲,۲۷ | ۶,۷  | ۱۱,۴ | ۳۵,۵ | ۲۴,۷ | ۲۱,۷ | خط بام  |
| ۲,۷۰ | ۱۴,۵ | ۸,۴  | ۳۰,۷ | ۲۵,۳ | ۲۱,۱ | فرم ساختمان   |
| ۴,۰۰ | ۳۴,۹ | ۳۸,۶ | ۲۰,۵ | ۳,۶  | ۲,۴  | رفع ناهنجاری‌های بصری                                 |
| ۴,۲۷ | ۵۵,۴ | ۲۴,۱ | ۱۵,۷ | ۱,۸  | ۳,۰  | دید به نشانه‌های مهم منظر شهری                        |
| ۲,۸۷ | ۹,۱  | ۱۸,۷ | ۳۳,۷ | ۲۷,۷ | ۱۰,۸ | تباين و گوناگونی در فضا                               |

منبع: یافته‌های پژوهش

### ارزیابی و تحلیل داده‌ها: آمار استنباطی

در این بخش جهت پاسخ به سؤال اول پژوهش اینکه کدامیک از مؤلفه‌های کالبدی در بازآفرینی حس تعلق به مکان محله آبشوران تأثیرگذارند؟ ابتدا همبستگی میان متغیرهای وابسته (حس تعلق به مکان) و متغیرهای مستقل (شاخص‌های کالبدی) موردسنجش قرار می‌گیرد. آنچه در آزمون همبستگی مدنظر است میزان سطح معناداری متغیرهاست به گونه‌ای که اگر سطح معناداری کمتر و مساوی ۰,۰۵ باشد دربردارنده این مفهوم است که میان دو متغیر همبستگی وجود دارد. بنابراین، جهت سنجش تأثیر شاخص‌های کالبدی بر حس تعلق به مکان همان‌طور که قبلاً ذکر آن رفت از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج نشانگر آن است میان تمامی شاخص‌های کالبدی و حس تعلق به مکان رابطه معناداری وجود دارد. البته میزان همبستگی هر شاخص کالبدی با حس تعلق به مکان متفاوت است. به طوری که چهار عامل «تنوع و جذابیت»، «تمایز»، «توجه به زمینه»، «ساختار فضایی و شکل مناسب فضا» نسبت به شاخص‌های دیگر همبستگی بیشتری با حس تعلق به محله آبشوران دارند؛ به همین علت در ارتقا و ایجاد حس تعلق به محله آبشوران تأثیرگذارترند. از سوی دیگر، شاخص «دسترسی و نفوذپذیری» از همبستگی پایین‌تری نسبت به سایر شاخص‌ها برخوردار است.

جدول ۸: نتایج آزمون همبستگی پیرسون شاخص‌های کالبدی و حس تعلق به مکان محله آبشوران

| معناداری | میزان همبستگی با حس تعلق به مکان | شاخص‌های کالبدی                   |
|----------|----------------------------------|-----------------------------------|
| ۰,۰۰     | ۰,۶۰۹                            | شخصیت کالبدی منحصر به فرد (تمایز) |
| ۰,۰۰     | ۰,۵۴۰                            | توجه به زمینه                     |
| ۰,۰۱     | ۰,۴۸۵                            | ساختار فضایی و شکل متناسب فضا     |
| ۰,۰۰     | ۰,۶۲۵                            | تنوع و جذابیت                     |
| ۰,۰۰     | ۰,۳۰۴                            | راحتی و آسایش                     |
| ۰,۰۲     | ۰,۲۴۷                            | انعطاف‌پذیری                      |
| ۰,۰۲     | ۰,۲۲۱                            | دسترسی و نفوذپذیری                |
| ۰,۰۰     | ۰,۳۱۱                            | دید و منظر                        |

منبع: یافته‌های پژوهش

سپس با آزمون رگرسیون چندمتغیره خطی میزان رابطه میان متغیرهای کالبدی با حس تعلق به مکان مشخص شده است. نتایج بیانگر آن است که متغیرهای شاخص کالبدی تا چه میزان قدرت پیش‌بینی تغییرات ایجاد شده در متغیر حس تعلق به مکان را دارند. میزان همبستگی میان متغیرهای کالبدی و حس تعلق به مکان مطابق جدول ۹-۱، ۰,۷۸۲ در سطح بالایی است. همچنین، ضریب تعیین بیانگر آن است که ۰,۶۱۱ درصد از تغییرات متغیر حس تعلق به مکان مربوط به متغیرهای شاخص کالبدی است. به بیانی دیگر، ۰,۶۱۱ درصد از تغییرات بازآفرینی حس تعلق به مکان محله آبشوران توسط شاخص‌های کالبدی پیش‌بینی می‌شود.

جدول ۹: خلاصه مدل رگرسیونی و ضریب تعیین

| خطای استاندارد برآورده | ضریب تعیین تعدیل شده | ضریب تعیین R2 | همبستگی R |
|------------------------|----------------------|---------------|-----------|
| ۰,۶۹۱۹۰                | ۰,۶۰۴                | ۰,۶۱۱         | ۰,۷۸۲     |

منبع: یافته‌های پژوهش

و در نهایت از آزمون ANOVA برای تعیین سطح معناداری و تأیید مدل رگرسیون خطی استفاده شد. که نتایج آن نشان می‌دهد که سطح معناداری با توجه به مقدار آن ۰,۰۱ است که نشانگر تأیید مدل خطی رگرسیون است. بنابراین، با تکیه بر نتایج می‌توان بیان داشت شاخص‌های کالبدی بر حس تعلق مکان مؤثر است و می‌تواند تغییرات ایجاد شده در حس تعلق را با میزانی قابل توجه پیش‌بینی کند.

جدول ۱۰: آزمون ANOVA جهت تعیین سطح معنی داری

| مدل        | مجموعه مجذورات | درجه آزادی | جذر میانگین | سطح معناداری |
|------------|----------------|------------|-------------|--------------|
| رگرسیون    | ۲۶۹,۰۷۸        | ۶          | ۴۴,۸۴       | ۰,۰۱         |
| باقی مانده | ۱۷۱,۳۸۴        | ۳۸۵        | ۰,۴۷۹       |              |
| کل         | ۴۴۰,۴۶۲        | ۳۶۴        |             |              |

منبع: یافته‌های پژوهش

## نتیجه گیری

در پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون حس تعلق به مکان و ابعاد مختلف آن، بر ابعاد اجتماعی حس تعلق به مکان توجه بیشتری شده و کمتر به ابعاد کالبدی این حس تمرکز شده است. این درحالی‌ست که عوامل کالبدی در ارتقا و حفظ حس تعلق به مکان نقش مهمی دارند. عطف به هدف پژوهش حاضر که استخراج مؤلفه‌های کالبدی جهت ارتقاء حس تعلق به مکان و بررسی و سنجش آن‌ها در محله آبشوران شهر کرمانشاه بوده است؛ بخش کیفی این پژوهش ابتدا با تکیه بر مبانی نظری موجود به سؤال دوم پاسخ داده است و نشان می‌دهد ۸ شاخص کالبدی شخصیت کالبدی منحصر به فرد (تمایز)، توجه به زمینه، ساختار فضایی و شکل متناسب فضا، تنوع و جذابیت، راحتی و آسایش، انعطاف‌پذیری، دسترسی و نفوذپذیری، و دید و منظر با حس تعلق به مکان ارتباط مستقیمی دارند. بدین‌سان، هر مکانی این خصوصیات را دارا باشد می‌تواند منجر به ایجاد حس تعلق به مکان و تقویت آن گردد.

سنجش محله آبشوران از طریق داده‌های گردآوری شده پرسشنامه نیز پاسخگوی سؤال اول پژوهش بوده و بیانگر آن است که ساکنین محله آبشوران نسبت به محله حس تعلق متوسط و روبه بالایی دارند. به طوری که مطابق آزمون همبستگی پیرسون میان تمامی شاخص‌های کالبدی و حس تعلق به مکان رابطه معناداری وجود دارد. البته میزان همبستگی هر شاخص کالبدی با حس تعلق به مکان متفاوت است. چهار عامل «تنوع و جذابیت»، «تمایز»، «توجه به زمینه»، «ساختار فضایی و شکل مناسب فضا» نسبت به شاخص‌های دیگر همبستگی بیشتری با حس تعلق به محله آبشوران دارند. بدین ترتیب، در ارتقا و ایجاد حس تعلق به محله آبشوران تأثیرگذارترین، از سوی دیگر، شاخص «دسترسی و نفوذپذیری» از همبستگی پایین‌تری نسبت به سایر شاخص‌ها برخوردار است. همچنین، نتایج آزمون رگرسیون بیانگر آن است میزان همبستگی میان متغیرهای کالبدی و حس تعلق به مکان مطابق جدول ۱-۹، ۰,۷۸۲ در سطح بالایی است. مضاف بر آن، ضریب تعیین بیانگر آن است که ۰,۶۱۱ درصد از تغییرات متغیر حس تعلق به مکان مربوط به متغیرهای شاخص کالبدی است.

علاوه بر این، نتایج شاخص‌های کالبدی در محله مورد مطالعه نیز حاکی از آن است که اکثر گویه‌ها در وضعیت متوسطی قرار دارند و تنها چند گویه همچون تداوم، رنگ، بافت و مصالح در عناصر کالبدی داخل فضا و متضاد با محیط اطراف، استفاده از سمبل و نمادهای

فرهنگی- اجتماعی در طراحی کالبدی، هماهنگی بافت جدید با بافت موجود از نظر کاربری و فرم کالبدی، رعایت الگوی مناسب بلوک‌ها و خیابان‌ها، تنوع کالبدی و جذابیت بصری، وجود تسهیلات رفاهی مانند مکان‌های مناسب نشستن، پاکیزگی فضا و عدم تجمع آلودگی، فقدان فضاهای غیرقابل دفاع، تعیین سیستم حرکتی پیاده به گونه‌ای که امنیت تأمین گردد، رفع ناهنجاری‌های بصری، دید به نشانه‌های مهم منظر شهری، در وضعیت خیلی کم و ضعیفی قرار دارند. فلذا، ضروری‌ست جهت ارتقا و تداوم حس تعلق محله آبشوران در بازطراحی فضاها مورد توجه ویژه واقع شوند.

**منابع و مآخذ:**

۱. احمدی، ف.، افشار، ع.، آقالطیفی، آ. ۱۳۹۳. عوامل تأثیرگذار بر حس تعلق در فرآیند بازآفرینی در بافت مسکونی اطراف حرم امام رضا(ع)، محله نوغان، هفت شهر، شماره ۴۷-۴۸.
۲. آدینه‌لو فرد، م.، رحمانی، م. ۱۴۰۱. مقایسه تطبیقی حس مکان در شهرهای جدید تهران (نمونه موردی: شهرهای جدید پردیس، پرند و اندیشه)، فصلنامه آمایش محیط، ۱۵(۵۸)، ۱۰۳-۱۱۸.
۳. اله ویسی، ف.، چاره جو، ف. ۱۴۰۰. تبیین نقش عوامل مؤثر بر تعلق مکانی در بافت‌های شهری (مطالعه موردی: بافت قدیم، میانی، جدید و حاشیه‌ای شهر سنج)، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۱.
۴. بزی، خ.، میرزاپور، س.، افراسیابی راد، م. ۱۳۹۳. بررسی مقایسه‌ای حس تعلق به مکان در محلات شهر خرم‌آباد، نشریه معماری و شهرسازی پایدار، سال دوم، شماره ۲.
۵. پاکزاد، ج. ۱۳۸۸. سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۳)؛ از فضا تا مکان، انتشارات شهیدی، چاپ اول، تهران.
۶. پیربابایی، محمدتقی، و سجادزاده، حسن. ۱۳۹۰. تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی، باغ نظر، شماره ۱۶.
۷. جنت پور، ن.، کریمی آذر، ا. ۱۳۹۷. تبیین شاخص‌های مؤثر بر شکل‌گیری حس تعلق به مکان به‌منظور ارتقاء پایداری اجتماعی در مجموعه مسکونی، کنفرانس بین‌المللی، عمران، معماری و مدیریت توسعه شهری در ایران.
۸. حاتمی خانقاهی، ت.، وزیری، و.، سلمانیان، ب.، تاج‌الدینی، ن. ۱۳۹۸. مقایسه عوامل مؤثر بر حس تعلق به مکان در محلات جدید و قدیم شهر اردبیل، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۳۴.
۹. حسامی، ش.، غیاسی، ص.، بابازاده اسکویی، س.، شفیعی زاده، ا. ۱۴۰۱. تحلیل تعامل انسان با محیط پیرامون از بعد تأثیرات ادراک و رفتار در حس تعلق به مکان (مورد مطالعه: مجتمع مسکن مهر مکریان مهاباد)، مجله علمی گفتمان طراحی شهری، دوره سوم، شماره ۱.
۱۰. حیدری، ع.، مطلبی، ق.، نگین تاجی، ف. ۱۳۹۳. تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۱۹، شماره ۳.
۱۱. دانش پایه، ن. ۱۳۹۶. معیارهای اصلی شکل‌گیری حس مکان در پهنه‌های توسعه جدید شهری (نمونه مطالعه: منطقه ۲۲ شهرداری تهران)، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، دانش شهر.

۱۲. دانش پایه، ن.، حبیب، ف.، طغیانی، ش. ۱۳۹۶. تبیین فرآیند شکل‌گیری حس مکان در توسعه جدید شهری (منطقه ۴ شهرداری تهران)، فصلنامه مطالعات ملی، سال هجدهم، شماره ۴.
۱۳. دانش پور، عبدالهادی، و صفارسبز، فاطمه. ۱۳۹۷. تحلیلی بر عوامل کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان در مرکز قدیمی شهر سبزوار، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۹، شماره ۳۳.
۱۴. ده بزرگی، م.، اولادحسین، آ.، دانش پور، ع. ۱۳۹۵. ارائه چارچوب نظری جهت حس تعلق به مکان از دیدگاه پدیدارشناسان و روانشناسان محیطی، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، بارسلون - اسپانیا.
۱۵. دهخدا، ا. ۱۳۸۵. فرهنگ دهخدا، جلد اول و دوم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
۱۶. راپاپورت، آ. ۱۳۹۲. معنی محیط ساخته‌شده، رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه فرح حبیب، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ سوم، تهران.
۱۷. رشید کلویر، ح.، عباس زاده دیز، ف.، اکبری، ح.، شاهرودی کلور، م. ۱۳۹۹. بررسی حس تعلق به مکان از منظر شاخص‌های کالبدی و غیر کالبدی در خانه‌های مستقل و مجتمع‌های آپارتمانی (مطالعه موردی: شهر تبریز)، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال ششم، شماره ۲.
۱۸. رضوانی، ن.، بهزادفر، م.، حبیبی، ک. ۱۳۹۶. ارزیابی بافت تاریخی بر پایه هنجار حس تعلق به مکان (نمونه مطالعاتی: محله سرچشمه گرگان)، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۲۹.
۱۹. رلف، ا. ۱۳۸۹. مکان و بی‌مکانی، ترجمه محمدرضا نقصان محمدی و دیگران، انتشارات آرمانشهر، چاپ اول، تهران.
۲۰. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه. ۱۳۹۷. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ شهر کرمانشاه (به تفکیک مناطق ۸ گانه شهرداری و محلات و برآورد جمعیت تا سال ۱۴۰۰)، سازمان برنامه و بودجه کشور مرکز اسناد - مدارک و انتشارات.
۲۱. سلطانی، ع.، حاتم گلزاری، ا. ۱۴۰۰. تحلیلی بر مؤلفه‌های تبیین‌کننده حس تعلق مکانی در محلات نوین شهر (مطالعه موردی: محله یاغچیان تبریز)، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۱.
۲۲. شولتز، ک. ۱۳۸۸. روح مکان، به‌سوی پدیدارشناسی معماری، ترجمه محمدرضا شیرازی، نشر رخ داد نو، چاپ اول، تهران.

۲۳. شهریاری، م.، مشک سار، پ. ۱۴۰۰. بررسی عناصر کالبدی حس تعلق به مکان در محلات شهری (مطالعه موردی: شهرک شهید بهشتی شهر شیراز)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای اقتصادی، دوره ۲، شماره ۶.
۲۴. صالحی، س. ۱۳۹۷. بررسی حس تعلق مکان در مجتمع‌های مسکن مهر (مطالعه موردی: مسکن مهر پيله مهران شهر اردبیل)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری گرایش برنامه‌ریزی مسکن.
۲۵. فارسی، ط.، ناسخیان، ش.، شاهبوندی، ا. ۱۳۹۸. ارزیابی پس از بهره‌برداری یک پاتوق شهری جهت بررسی اثرات آن بر ارتقاء سرزندگی (نمونه موردی: پاتوق شهری در معبر تاریخی - طبیعی شهر اصفهان)، فصلنامه آمایش محیط، ۱۲(۴۷)، ۱۴۵-۱۶۲.
۲۶. فلاحت، م. ۱۳۸۵. مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
۲۷. قیاسی، ه.، صرافی گهر، ا. ۱۳۹۵. تبیین مدل نظری ارتقا حس مکان در طراحی معماری و شهر، مدیریت شهری، شماره ۴۵.
۲۸. کاویانی، ا. ۱۳۹۵. طراحی خانه فرهنگ یزد با تأکید بر ارتقاء حس تعلق به مکان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد.
۲۹. کرمونا، م.، هیت، تیم و تنزاک و تیسدل، ا. ۱۳۹۱. مکان‌های عمومی فضاهای شهری، ابعاد گوناگون طراحی شهری، ترجمه فریبا قرائی و مهشید شکوهی و زهرا اهری و اسماعیل صالحی، چاپ دوم. انتشارات دانشگاه هنر تهران.
۳۰. لینچ، ک. ۱۳۷۸. سیمای شهر، ترجمه‌ی منوچهر مزینی، چاپ هشتم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۱. محبوب جلالی، ن.، مولوی، م.، شبانی، ا.، ناظمی، ا. ۱۳۹۹. الگوی سلسله مراتبی معناپذیری مکان با برپایی رویدادها در فضاهای عمومی شهر (مطالعه موردی: بافت پیاده محدوده مرکزی شهر رشت)، دانش شهرسازی، دوره ۴، شماره ۱، ص ۱۳۲-۱۱۳.
۳۲. محمد مرادی، آ.، یزدانفر، س.، فیضی، م.، نوروزیان ملکی، س. ۱۳۹۸. سنجش حس مکان و شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر آن در بافت تاریخی تهران (مورد پژوهی: محله تاریخی امامزاده یحیی)، دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، سال هشتم، شماره ۱۵.
۳۳. مهندسان مشاور تدبیر شهر. ۱۳۹۶. گزارش طرح ساماندهی بافت مرکزی شهر کرمانشاه (وضع موجود).



۳۴. میرزاحسین، س.، احمدی، م.، ذاکر حقیقی، ک. ۱۴۰۱. بررسی چگونگی ساختار و عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری فضاهای شهری بر مبنای حس تعلق مکانی بین شهروندان تهرانی، فصلنامه آمایش محیط، ۱۵(۵۶)، ۲۷-۴۶.
۳۵. میرغلامی، م.، آیشم، م. ۱۳۹۵. مدل مفهومی ارزیابی حس مکان بر اساس مؤلفه‌های کالبدی، اداری، عملکردی، اجتماعی مطالعه موردی: خیابان امام ارومیه، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، شماره ۱۹.
۳۶. نژاد ابراهیمی، ا.، شیخ‌الحکمایی، محمد. ۱۴۰۰. اثر تالی سلسله مراتب در آفرینش حس تعلق به مکان مسجد تبریز، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره سی و سوم، سال نهم.
۳۷. نصیری، م. ۱۳۹۱. عوامل مؤثر بر ایجاد حس تعلق به مکان، اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری-شهرسازی و مدیریت شهری، دانشگاه آزاد خوراسگان اصفهان.
38. Altman, I and Low ,S.1992. Place attachment, a conceptual inquiry, human behavior and environment, 12, pp:1-12.
39. Bonaiuto, M and Fornara, F and Bonnes, M. 2003. Indexes of perceived residential environment quality neighbourhood attachment in urban environments, a confirmation study on the citu of rome, landscape and urban planning, 65, pp: 41-52.
40. Borcato, E .۲۰۰۶. Place attachment: an investigation of environment and out comes in a service context ,dissertation proposal presented to the faculty of the graduate school of the university of texas at Arlington in partial fulfillment of the requirements for the edegree of.
41. Chen, N. C., Hall ,C. M & .Prayag, G. (2021). Sense of place and place attachment in tourism. Routledge.
42. Cighi, C. 2008 .Senses of place, university of Massachusetts Amherst. Masters' theses .
43. Denardi, A. 2017. Landscape and sense of belonging to place: the with everyday place in the experience of sense migrants in montebelluna (northeastern Italy), journal of research and didactics in geography (j-reading), I (6), pp 61-72.

44. Dowler ,B. 2003. sense of place: public housing in the greater mount druit area, A bachelor of planning undergraduate thesis to the faculty of the built environment, university of new south wales Sydney, Australia .
45. Escalera-Reyes, J. 2020 .Place attachment, feeling of belonging and collective identity in socio-ecological systems: Study case of Pegalajar (Andalusia-Spain).(Sustainability, 12(8), pp21.
46. Kolesovs, A. 2021 .The Sense of belonging to the country: integrative relationships and spatiotemporal commitment, this article was submitted to personality and social psychology, a section of the journal frontiers in psychology.
47. Kolodziejcki, A. 2014 .connecting people and place: sense of place and local action, a thesis submitted to the university of Manchester for the degree of PHD in the faculty of humanities .
48. Lewicka, M. 2011 .Place attachment, how far we come in the last 40 years? journal of environmental psychology, 31(3), pp:207-230.
49. Ozdemir Darby ,Dilek, and Tugce Ozata. 2017. Analysing the concept of place attachment in the context of spatial factors kuzgunck, international jornal of architecture & planning (5): pp18-29.
50. Seamon, D & ,Sowers, J. 2008. Place and Placelessness, Edward Relph. Key texts in human geography, 43, 51.
51. Steele, F. 1981. The Sense of Place; CBI Publishing Co., Boston, MA.
52. Stern, A. 2017 .Sense of place, sense of self. Phd diss., Saybrook University.
53. Strayhorn, T. L. 2018 .College students' sense of belonging: A key to educational success for all students. Routledge.